

صدور شناسنامه برای کودکان حاصل از رابطه خارج از ازدواج



عکس: [Simon Yeo](#)

پژوهشگر - مهری ملکوتی: وکیل

در فرهنگ و سنت ایران به اندازه ای است که این کودکان مظلوم حتی از حق صدور "حرامزاده" بسیاری تصور می کنند بار سنگین شناسنامه محروم مانده اند. از این نگاه موضوع را بررسی می کنیم که این کودکان تا چه اندازه در حمایت قانون قرار می گیرند. آیا پدر اگر شناسائی شده باشد نسبت به آنها مسئولیت های پدرانانه دارد؟ امکانات قانونی برای صدور شناسنامه برای آنها فراهم است؟

زنا یا رابطه جنسی خارج از ازدواج نه تنها در قوانین ایران که منبع آن احکام شریعت است، جرم تلقی می شود و در صورت اثبات در قرار می گیرد و مرتکب (زن و مرد) بی تردید و بی تخفیف باید مجازات شوند، بلکه به کودک حاصل از این " حق الله " فهرست نگاه می کنند که چون از نطفه حرام زاده به " مجرم بالفطره " رابطه بی آن که در به وجود آمدن خود، اراده و اختیاری داشته باشد، در جای وجود آمده، نمی تواند از احترام و شئون انسانی بهره مند باشد. در نتیجه صف او را به کلی از صف کودکان متولد شده از رابطه مشروع جدا می کنند. متأسفانه در فرهنگ ما در دوران هائی که هنوز قانون و قانونگذاری به سبک جوامع متجدد، پذیرفته نشده بود، مردم به هر جا " حرامزاده " و " زنازاده " صورت ظالمانه ای با این بچه های بیگناه برخوردارهای اهانت بار داشتند و آنها تا وقتی زند بودند با عنوان که حضور می یافتند، مورد نفرت بوده و به صفات شیطانی از جمع رانده می شدند. چه بسا به سادگی آنها را می کشتند تا نشانه های فساد از روی زمین پاک شود. صاحب خونی هم وجود نداشت تا خون خواهی کند. پدر و مادر طفل خیلی که زرنگ بودند جان خود را بر می داشتند و در می رفتند. البته اغلب مادران این نوزادها به دست خود، طفل را می کشتند و در زباله می انداختند یا اگر خیلی عاطفی بودند او را لباس می پوشاندند و زیر سایه ای، روی پله و درگاهی می گذاشتند و شهر یا روستا را برای همیشه ترک می کردند.

امید بود ایرانیان پس از ورود به دوران قانون نویسی و پارلمان، بتوانند بر این خرافه ها که بی گناهی را به گناه پدر و مادر، تشبیه می کنند، خط بطلان بکشند. هنوز این امید به جایی نرسیده است. قانونگذار که خود اسیر باورهای این چنینی است، تا کنون نتوانسته کاملاً از بن بست های فرهنگی و ظالمانه ای که فاقد پشتوانه های علمی، عادلانه و انسانی است، خارج شود. اما توانسته است گام هائی بردارد تا دست کم، این انسان ها دارای شناسنامه و هویت شوند. در همین حد و اندازه هنوز بیشتر مردم و به خصوص زنان از آن خبر ندارند و گاهی جان خود و کودک را بر سر جهل خود می گذارند. در این یادداشت کوشش می شود از فرصت های قانونی که ممکن است در نهایت به یاد شده و باب گفت و گو با مادران و شاید پدران این کودکان باز شود. شاید به تدریج در کشور ما چنان تحولات داد این کودکان برسد، اجتماعی و قانونی اتفاق بیافتد که مادران به جای آن که این فرزندان را سرراه بگذارند یا نابود کنند و به زباله دان بسپارند، آنها را در پناه قانون و جامعه ای که از خود خرافه زدائی کرده است، در آغوش بگیرند و حمایت کنند.

حق بر صدور شناسنامه

در قوانین پذیرفته شده است. این حق 2 سال پیش از انقلاب اسلامی برای کودکان محصول روابط خارج از ازدواج دائم یا موقت

به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال 1355 یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و قانونگذار در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است. خوشبختانه پس از انقلاب براین قانون مهر تایید گذاشته شده و آن را معتبر اعلام کرده و بر قدرت و قوت آن افزوده اند.

چگونه؟

تبصره ماده 16 و ماده " 1376 ضمن تاکید بر قانون سال 1355 توضیح داده: 3/4 - رای وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره 617

17 قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا این که "ابوین طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است".

لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید با استفاده از " در ادمه این رای وحدت رویه اضافه شده: عموماً و اطلاق مواد یاد شده و مسئله 3 و مسئله 47 از موازین قضائی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر ... عرفی طفل تلقی و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می باشد

بنابراین حق فرزند حاصل از رابطه خارج از ازدواج حتی در صورتی که پدر از صدور شناسنامه برای او امتناع کند، تثبیت شده و پدر این شناخته می شود، مجبور است برای طفل شناسنامه بگیرد و قانونگذار بر پایه نظریه های "زانی" طفل که در زبان فقهی و قانونی ایران به نام طفل به رسمیت شناخته است. "پدر عرفی" فقهی اعلام شده پس از انقلاب اسلامی، او را در جای

پدر عرفی چه تکالیفی به عهده دارد؟

کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می " رای وحدت رویه در تکمیل مفاد ذکر شده در بالا دستور می دهد: "... باشد و حسب ماده 884 قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است

بنابراین یک تکلیف عمده پدر شرعی که عبارت است از پرداخت نفقه طفل و هزینه های نگهداری و تحصیلات و تربیت و مراقبت به است. فقط بحث ارث منتفی است که هنوز مراجع اسلامی نتوانسته اند برای آن راه حلی پیدا کنند. بر طبق موازین "پدر عرفی" عهده ارث نمی برد. فرزند ناشی از "فرزند خوانده" اسلامی، ارث تابع اصل خون و نسب مشروع بین پدر و فرزند است و به همین دلیل است که رابطه خارج از ازدواج هم ارث نمی برد. با وجود این موانع شرعی گامی که قانونگذار در جهت بهبود وضعیت آنها 38 سال پیش برداشته و پدر را (اگر در دسترس و شناخته شده باشد) در جای پدر عرفی به رسمیت شناخته و به صورت قانونی او را مکلف به اجرای تکالیف پدری کرده است قابل ستایش است. انتظار می رود حکومت دینی که دست بازتری برای روزآمد شدن قوانین بر پایه نیازهای زمان و مکان دارد، این اقدام نیک را تکمیل کرده و موجبات رفع تبعیض از این کودکان را که گناهی مرتکب نشده و باید دارای حقوق کامل انسانی باشند، فراهم سازد.

نتیجه گیری

حال که قانونگذاری در ایران با وجود موانع بسیار جدی شرعی و فرهنگی، وضعیت فرزندان ناشی از رابطه خارج از ازدواج یا به قولی زنازاده و حرامزاده را تا حدودی ضابطه مند و به سمت عدالت پیش برده است، انتظار می رود مردم نیز با حفظ شئون و احترام این انسان های بی گناه و مظلوم، به آنها مانند دیگر انسان ها نگاه کنند و قانونگذار را تشویق کنند تا وضعیت آنها را به وضعیت دیگر بچه هایی که محصول ازدواج شرعی هستند نزدیک کند. فشارهای اجتماعی برای بهبود قانونگذاری و روزآمد کردن آن همواره جواب می دهد. این بچه ها در هر خانه ای که بزرگ شوند در معرض همه گونه خشونت خانگی بوده و آنها را نطفه حرام می دانند که نشانه شر است و حضورش برای کسانی که با او زندگی می کنند، نکبت و بدبختی در پی دارد. برای خرافه زدائی از این افکار و اندیشه های کاملاً غیر علمی، کارهای فرهنگی به صورت گسترده از سوی نهادهای مردمی ضروری است. کل مناسبات خانوادگی، اجتماعی در 38 سالی که از تصویب آن قانون می گذرد تغییر کرده است و در نتیجه بازنگری در داوری های نامتناسب با تحولات اجتماعی ضروری است.

چرا نمی توانیم در این پیش فرض ها و پیش داوری های غیر علمی و ظالمانه خود تجدید نظر کنیم؟